

A Discourse Analysis of Islamic Republic of Iran's Government about the Stock Exchange in the Period between 2013 and 2021.

Mohammad Hosein Shoaee*
Amirmohammad Sfahani**

Received: 01/05/2022

Accepted: 30/06/2022


Abstract


The capital market in any country is one of the symbols of economic prosperity or recession. In the period between September 2019 to August 2020, despite the economic recession in the country, the Iranian capital market experienced a growth of more than one million and five hundred thousand units in its index. One of the reasons was the encouragement offered by government officials headed by the then president Hassan Rouhani to enter the stock market. The unprecedented inflow of liquidity into the stock market and government support led the index to a remarkable growth in a short period of time. From early August 1399, the Iranian capital market began to decline; the index dropped from close to two million to about one million units. This was a shocking 50 percent drop in less than ten months, while the government still encouraged people to continue their presence in the capital market and promised that the situation would improve. This article seeks to analyze the speeches of the 11th and 12th president regarding the stock market throughout his administration and extract the basic signs of his discourse regarding the stock exchange by relying on prominence theory and Padam discourse analysis method. The findings indicate the existence of intra-discourse contradictions in three areas of the stock exchange and the government, the stock exchange and the economy, and the stock exchange and the people.

Keywords:

Capital Markets; People; Discourse Analysis; Agenda Setting; Government.

JEL Classification: I1.

* Assistant Professor, Department of Culture and Communication, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author) shoaee@isu.ac.ir  3585-9701-9701 0000-0001

** M.A. Student, Islamic Studies, Culture and Communication Faculty, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. am.sfahani@isu.ac.ir  0000-0003-0681-7735

تحلیل گفتمان دولت جمهوری اسلامی ایران و بورس در بازه زمانی بین سال های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۱

محمد حسین شعاعی*

مقاله برای اصلاح به مدت ۹ روز نزد نویسندگان بوده است.

امیر محمد اصفهانی**

چکیده

بازار سرمایه در هر کشوری یکی از نمادهای رونق اقتصادی یا رکود آن است. در بازه زمانی بین ماه مهر سال ۱۳۹۸ تا مرداد ۱۳۹۹ بازار سرمایه ایران با وجود رکود اقتصادی حاکم بر کشور، رشدی بیش از یک میلیون و پانصد هزار واحد را در شاخص خود تجربه می‌کند. یکی از علل این رشد، تشویق دولت مردان جمهوری اسلامی ایران و در رأس آن‌ها رئیس‌جمهور به ورود مردم به بورس بود. ورود بی‌سابقه نقدینگی به بورس و حمایت‌های دولت، شاخص را در بازه زمانی کوتاه به رشدی بی‌سابقه رساند. از اوایل مرداد ۱۳۹۹ بازار سرمایه ایران شروع به ریزش می‌کند، شاخص از نزدیک دو میلیون تا حدود یک میلیون واحد کاهش می‌یابد. این ریزش شدید و بی‌سابقه ۵۰ درصدی در کمتر از ۱۰ ماه در حالی است که دولت مردان تقریباً هر روز مردم را به ماندگاری در بازار سرمایه تشویق می‌کردند و وعده بهبود قریب‌الوقوع این بازار را می‌دادند. این مقاله درصدد آن است تا با استفاده از نظریه برجسته‌سازی و روش تحلیل گفتمان پدام صحبت‌های رئیس دولت یازدهم و دوازدهم جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بورس را در طول ۸ سال ریاست جمهوری ایشان تحلیل کرده و دل‌های اساسی گفتمان ایشان را در رابطه با بورس استخراج کند تا به فهمی کامل از گفتمان حاکم بر دولت در این‌باره برسد. یافته‌های پژوهش حاکی از وجود تناقض‌های درون گفتمانی و تسری این آشفتگی و تناقض به مردم و ایجاد مشکلات اتفاق افتاده پس از آن برای مردم است.

واژگان کلیدی

بورس؛ مردم؛ تحلیل گفتمان؛ برجسته‌سازی؛ دولت.

طبقه‌بندی JEL: I1

* استادیار گروه فرهنگ و ارتباطات، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران
shoae@isu.ac.ir

ایران (نویسنده مسئول) 0000-0001-9701-3585

** دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران ایران
am.sfahani@isu.ac.ir

0000-0003-0681-7735

مقدمه و بیان مسأله

پیدایش بورس ریشه در نیاز به مراکزی برای ارتباط بین دارندگان سرمایه و متقاضیان استفاده از آن دارد. وظیفه اصلی بورس اوراق بهادار، فراهم‌آوردن بازاری شفاف و منصفانه برای دادوستد اوراق بهادار پذیرفته‌شده و همچنین سیستمی مناسب برای نظارت بر جریان دادوستد، عملیات بازار و فعالیت اعضای آن است (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۷).

این سازمان طبق اساسنامه‌ای که در سال ۱۳۸۴ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد، یک موسسه غیردولتی است که هیأت مدیره و رئیس آن توسط شورای عالی بورس که متشکل از نمایندگان بانک مرکزی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، مجلس شورای اسلامی و اصناف است، تعیین می‌شوند. اما دخالت‌های دولت‌ها در تعیین رئیس این سازمان به قدری زیاد بوده است که به نظر می‌رسد رئیس این سازمان توسط دولت تعیین می‌شود.

در بازار سرمایه باوجود داشتن چند قرن سابقه در کشورهای اروپایی، از سال ۱۳۴۶ به صورت رسمی کار خود را در ایران آغاز کرد. از آن زمان تاکنون افت‌وخیزهای زیادی بنابر ذات این بازار در آن اتفاق افتاده است. افزایش یا کاهش ناگهانی و شدید شاخص در زمان اتفاقات بزرگ و خاص در یک کشور اتفاق می‌افتد مانند: انتخابات‌ها، جنگ و صلح‌ها، قراردادهای مهم بین‌المللی و... برای مثال ریزش ۲۵ درصدی شاخص در سال ۱۳۸۴ هم‌زمان با پایان دولت اصلاحات و شروع دولت نهم یا ریزش نزدیک به ۴۰ درصدی سال ۸۸ به علت وقوع فتنه و مشکلات بعد از انتخابات ریاست جمهوری برای تشکیل دولت دهم. اما بیشترین میزان سقوط شاخص بورس در یک بازه زمانی ده ماهه بین مرداد ۱۳۹۹ تا خرداد ۱۴۰۰ رخ داد که شاخص بورس به صورت ناگهانی بیش از ۵۰ درصد سقوط کرد بدون اینکه اتفاق جدید و خاصی از لحاظ داخلی یا بین‌المللی برای کشور اتفاق افتاده باشد (تی بورس، ۱۴۰۰).

هم‌زمانی این سقوط بی‌سابقه شاخص کل بازار سرمایه با دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت در این بازار (پایگاه تحلیلی مثلث، ۱۳۹۹) ما را بر آن داشت که در این پژوهش به کشف دال‌های مرکزی گفتمان دولتی بورس با محوریت سخنان ریاست‌جمهور دوره‌های یازدهم و دوازدهم در بازه زمانی مهر و موم‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ پردازیم تا بتوانیم رویکرد دولت به این امر استخراج کنیم.

۱. پیشینه پژوهش

نگارنده بعد از بررسی مقاله‌ها و تحقیقات گذشته به این نتیجه رسید که در این موضوع و با این روش تحلیل تابه‌حال تلاشی صورت نگرفته است. اکثر مساعی تحقیقاتی درباره بورس ناظر به جنبه تحلیل خرد و کلان اقتصادی مانند «تأثیر روش‌های تأمین مالی کارآفرینی بر مشارکت جمعی در کسب‌وکارهای دانش‌بنیان» از وظیفه‌دوست (۱۴۰۰) یا «بررسی واکنش نامتناسب سرمایه‌گذاران در بازار سهام ایران» از حیدری (۱۴۰۰) بوده است یا ناظر به جنبه مدیریتی آن؛ مانند «بررسی تأثیر بیش‌اعتمادی مدیران بر حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» از نیکبخت، شعبان‌زاده و کلهر (۱۳۹۵) یا گاهاً جنبه‌های روان‌شناختی آن، مانند «تبیین و ارائه الگویی برای سنجش عوامل روان‌شناختی و رفتاری در بازار سرمایه ایران» از افتخاری علی‌آبادی و وکیلی‌فرد (۱۳۹۳).

فقدان تحقیقات علوم اجتماعی و بررسی پیامدهای پیدا و پنهان این بازار گسترده بر زندگی مردم پرواضح است. لذا این پژوهش با توجه به اهمیت سیاست‌های رسمی اعلامی دولت -خاصه از جانب رئیس دولت- و تأثیر زیاد آن بر مردم و تصمیم‌گیری‌های آنان، درصدد است برای نخستین بار (تا جایی که نگارنده کاویده است) به تحلیل گفتمان سخنان ریاست‌جمهور دوره‌های یازدهم و دوازدهم ناظر به بازار سرمایه پردازد تا بدین طریق بتواند دال‌های مرکزی گفتمان دولت را ناظر به بازاری که بیش از ۵۰ میلیون از هم‌وطنان ما - که بیش از ۷۰ درصد آنان با اعتماد به

تشویق‌ها و ترغیب‌های دولت وارد این بازار شده‌اند - در آن مشغول به فعالیت بوده و هستند را کشف نماید.

۲. مبانی نظری

رسانه‌ها به‌ویژه در اخبار و گزارش‌های خبری و برنامه‌های مستند، این قدرت را دارند که توجه عموم را به مجموعه‌ای از مسائل و موضوعات معین و محدود معطوف سازند و از مسائل و موضوعات دیگر چشم‌پوشی کنند. حاصل کار این می‌شود که بعضی از مسائل خاص توسط بسیاری از مردم در سپهر عمومی و خارج از قلمرو رسانه‌ها به بحث گذاشته می‌شود، درحالی‌که به مسائل و موضوعات دیگر توجهی نمی‌شود (سولیوان، هارتلی، ساندرز و فیسک، ۱۳۸۵، ص. ۲۶).

نظریه برجسته‌سازی مدعی تأثیر رسانه‌ها بر شناخت و نگرش مردم و تعیین اولویت‌های ذهنی آنان از طریق انتخاب و برجسته‌سازی بعضی از موضوعات و رویدادها در قالب خبر و گزارش خبری است. به این معنا که رسانه‌ها با برجسته ساختن بعضی از موضوع‌ها و رویدادها، بر آگاهی و اطلاعات مردم تأثیر می‌گذارند. گرچه نمی‌توانند تعیین‌کننده مردم «چگونه» بیندیشند، اما می‌توانند تعیین‌کننده که «درباره چه» بیندیشند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹، ص. ۶۲).

شاو و مک کومبز (۱۳۸۳) واضعان نظریه برجسته‌سازی، در مقاله‌ای با عنوان «کارکرد برجسته‌سازی مطبوعات»، می‌نویسند «رسانه‌ها در قالب گزارش‌های خبری به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای اهمیت موضوع‌های مهم را تعیین می‌کنند. این تأثیر وسایل ارتباطات جمعی - قابلیت اثرگذاری بر تغییر شناخت و ادراک مخاطبان و ساخت تفکر آنان - کارکرد برجسته‌سازی وسایل ارتباط جمعی نامیده می‌شود. مهم‌ترین تأثیر ارتباط جمعی در اعمال این کارکرد، ایجاد نظم فکری برای مخاطبان و نظم‌دادن به دنیای پیرامون ماست. رسانه‌ها ممکن است در اینکه به ما بگویند چگونه فکر کنیم، موفق

نباشند. اما آن‌ها در گفتن اینکه درباره چه چیزی فکر کنیم، بسیار موفق هستند (شاو و مک کمبز، ۱۳۸۳، صص. ۸ - ۱۳۷)

مفهوم برجسته‌سازی را نباید صرفاً به مفهوم اولویت‌گذاری به معنی انتخاب و اولویت بعضی از موضوع‌ها و رویدادها در رسانه‌ها در قالب تیتراژ مطبوعات با عناوین اول اخبار رادیو و تلویزیون تقلیل داد. برجسته‌سازی فراتر از اولویت‌گذاری و دارای شیوه‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود است.

دهقان (۱۳۸۱) به نقل از سورین و تانکارد در رابطه میان مطبوعات و افکار عمومی طی بحران واترگیت در آمریکا، فرایند برجسته‌سازی را به ۶ مرحله تقسیم کرده است:

۱. مطبوعات بعضی از موضوعات و رویدادها را مهم و با اهمیت جلوه می‌دهند و آن‌ها را بارز و برجسته می‌سازند.
۲. موضوعات و رویدادهای متفاوت برای جلب توجه مردم، به نوع و میزان پوشش خبری متفاوتی نیاز دارند.
۳. موضوعات و رویدادهای مورد توجه باید دارای چارچوب باشند یا حوزه‌ای از معانی به آن‌ها اختصاص داد که قابل فهم شوند.
۴. زبان مورد استفاده رسانه‌ها بر درک اهمیت موضوع اثر می‌گذارد.
۵. رسانه‌ها موضوعات و رویدادهایی را که مورد توجه عموم قرار گرفته‌اند، به نمادهای ثانویه که از نظر سیاسی و اخلاقی دارای منزلت و موقعیت مناسب هستند، وصل می‌کنند، چراکه مردم برای جهت‌گیری درباره یک موضوع، نیازمند پایه و مبنا هستند.
۶. هنگامی که اشخاص معروف و معتبر درباره موضوعی اظهار نظر می‌کنند، روند برجسته‌سازی شتاب پیدا می‌کند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱، صص. ۹-۳۴۸).

بنابراین، مفهوم برجسته‌سازی پیچیده‌تر از اولویت‌گذاری و حاکی از آن است که فرایند قراردادن موضوعی در اولویت عموم، زمان می‌برد و از چند مرحله می‌گذرد. این

مفهوم نشان می‌دهد که شیوه رسانه‌ها برای چارچوب‌سازی یک موضوع و واژه‌های مهمی که برای توصیف آن استفاده می‌کنند، می‌تواند مؤثر باشد و نقش اشخاص معروف و معتبر نیز به هنگام اظهار نظر درباره موضوع، مهم و تأثیرگذار است.

زوکر، آشنا بودن موضوع و رویداد را عامل مهمی در وقوع یا عدم وقوع برجسته‌سازی می‌داند. وی استدلال می‌کند که هرچه عامه، تجربه مستقیم کمتری نسبت به یک موضوع و رویداد خاص داشته باشند، بیشتر به اطلاعات رسانه‌های خبری متکی هستند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱، ص. ۳۴۴). همچنین مطالعه زوکر نشان می‌دهد برجسته‌سازی ممکن است برای موضوعات ناآشنا روی دهد، ولی برای موضوعات آشنا اتفاق نیفتد. آشنا بودن (موضوعاتی که عامه مردم به‌طور مستقیم تجربه می‌کنند)، مفهوم مهمی است که باید به نظریه برجسته‌سازی اضافه شود. نکته دیگر اینکه، برجسته‌سازی برای تمام افراد به یک اندازه و به یک شیوه رخ نمی‌دهد، چراکه افراد از جهت نیاز به راهنمایی تفاوت دارند و این تفاوت، وقوع یا عدم وقوع برجسته‌سازی را تعیین می‌کند. کومبز و ویور، نیاز به راهنمایی را مبتنی بر دو عامل می‌دانند: ارتباط اطلاعات به کار و زندگی فرد و عدم اطلاع وی از موضوع و رویداد. هرچه ارتباط اطلاعات به فرد و عدم اطلاع وی از موضوع بیشتر باشد، نیاز به راهنمایی بیشتر است. دو محقق فوق این فرض را مطرح کردند که هرچه نیاز به راهنمایی بیشتر باشد، آثار برجسته‌سازی افزایش می‌یابد (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱، صص. ۵-۳۴۹).

فرایند برجسته‌سازی از سه اولویت رسانه، اولویت عموم و اولویت سیاسی و رابطه بین این سه شکل می‌گیرد. سورین و تانکارد، ابعاد هریک از این اولویت‌ها را چنین برمی‌شمارند: مشهود بودن (میزان و جلوه پوشش یک موضوع)، موضوع برجسته از نظر مخاطب (تناسب محتوای خبری با نیازهای مخاطب) و ارزش (پوشش مثبت یا منفی یک موضوع). ابعاد اولویت عموم عبارتند از: آشنا بودن (میزان آگاهی عمومی از یک موضوع معین)، موضوع برجسته از نظر شخص (علاقه یا تناسب متصور با خود

شخص) و مطلوب بودن (قضاوت مثبت یا منفی درباره موضوع). ابعاد اولویت سیاسی عبارتند از: حمایت (کنش کم‌وبیش مطلوب نسبت به یک موضوع معین)، احتمال کنش (احتمال اینکه یک دستگاه دولتی درباره موضوع دست به واکنش بزند) و آزادی عمل (گستره اقدامات احتمالی دولتی) (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱، ص. ۳۵۶).

۳. روش پژوهش

اصطلاح تحلیل گفتمان، برای نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف انگلیسی به نام هریس به‌کاررفته است (بهرام‌پور، ۱۳۷۹، ص. ۸). تحلیل گفتمان، چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه متن واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی) و عوامل برون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند (ایزدی و دیگران، ۱۳۷۹، ص. ۸ به نقل از فرکلاف). همچنین شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری (مانند گفتگو، مصاحبه و سخنرانی) و تحلیل متن شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری مانند مقاله، داستان، گزارش و... است. بعضی از زبان‌شناسان، این مفهوم را در معناهای متفاوتی به کار بردند و معتقداند که تحلیل گفتمان بیشتر به کارکرد با ساختار جمله و کشف و توصیف روابط آن می‌پردازد. به عبارت دیگر، تحلیل گفتمان در اینجا عبارت است از: شناخت رابطه جمله‌ها با یکدیگر و نگرستن به کل آن چیزی که نتیجه این روابط است. مطابق این تعریف، در تحلیل گفتمان (برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسان)، دیگر صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله، به‌عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا، یعنی زمینه متن سروکار نداریم؛ بلکه فراتر از آن با عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و... سروکار داریم (بهرام‌پور، ۱۳۷۹، ص. ۸).

تحلیلگران گفتمان بر این عقیده‌اند که با توجه به نبود اجتماعی ناب، گفتمان خشتی و بی‌طرفی نیز وجود ندارد، بلکه مایه گفتمان‌ها با متن‌های وابسته به اشخاص یا

جناح‌ها، ایدئولوژی‌ها و فرهنگ‌های خاص است (آشنا، ۱۳۸۹، ص. ۵۵). از طرفی، با توجه به اهمیت سیاست فرهنگی، نقش سیاست و فرهنگ در پدیده‌های اجتماعی و گسترش آن به همه عرصه‌های اجتماعی انتخاب رویکرد تحلیل گفتمان ضروری به نظر می‌رسد (قجری و نظری، ۱۳۹۲، ص. ۲۹).

معنا و مفهوم به‌دست‌آمده از مطالعه و پژوهش در یک متن نوشته شده، فقط در چارچوب همان متن محصور نمی‌شود، بلکه عوامل و شرایط مختلف زمانی، مکانی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی اخلاق و رفتار فردی در ایجاد معنای کامل دخالت دارد و تصویر کامل از معنای یک متن را به دست می‌دهد.

اصولاً معنای یک متن را بیش از آنچه که نویسنده خالق آن باشد، خواننده متن به وجود آورنده آن است. این خود به معنای آن است که در شرایط مختلف ممکن است معنای مختلف از یک متن به دست آید (بشیر، ۱۳۸۹، ص. ۲۳۳). همچنین شناخت دیدگاه‌ها و موضع‌گیری‌های اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک نویسنده که هم در داخل متن و هم در خارج متن پنهان است، بدون توجه به پیش فرض‌ها و اهداف تحلیل گفتمان امکان‌پذیر نیست. برخی از پیش فرض‌ها عبارت است از:

- ✓ متن یا گفتار واحد توسط انسان‌های مختلف، متفاوت نگریسته می‌شود.
- ✓ متن را باید به‌عنوان یک کل معنادار نگریست و این لزوماً در خود متن نیست.
- ✓ هیچ متن خنثی یا بی‌طرفی وجود ندارد، متن‌ها بار ایدئولوژیک دارند. در هر متنی حقیقت نهفته است، اما هیچ گفتمانی دارای تمام حقیقت نیست.

گفتمان در سطح اجتماعی، به معنای آن است درجایی که گفتمان در بافت و زمینه کلیای که متن در آن تولید و تفسیر می‌شود، تحلیل تبیینی و اجتماعی است. محقق در این سطح، متن را ناهماهنگ متضاد و متأثر از شرایط اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی می‌داند و می‌کوشد با استفاده از دلالت‌های ضمنی متن، التزام‌ها، پیش فرض‌ها، تلقین‌ها و تداعی‌ها، معنای نهفته و پنهان متن را کشف و بیان کند (بشیر، ۱۳۸۹، ص. ۶۲).

براین اساس، در تحلیل گفتمان برخلاف سنت زبان‌شناسانه، دیگر صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله به‌عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا سروکار نداریم، بلکه فراتر از آن به عوامل بیرونی متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ارتباطی و غیره مواج‌هایم.

۴. تحلیل گفتمان پدام^۱

درباره تحلیل گفتمان روش‌های گوناگونی تاکنون، ارائه شده است. روش دایک، روش فرکلاف و لاکلا و موفه از مهم‌ترین این روش‌ها هستند. هریک از این روش‌ها رویکردی خاص برای خود دارد منتها نوعی ابهام در شیوه عمل در آن‌ها وجود دارد و به تعبیر دیگر نمی‌توانند نوعی از عینیت را بازنمایی کنند. روشی که در اینجا برای تحلیل به کار گرفته شده روش تحلیل به شیوه پدام «روش عملیاتی تحلیل گفتمان» است» (بشیر، ۱۳۹۰، ص. ۱۹۹).

توجه به عینی و ذهنیت، از مسائلی است که باید در تحلیل‌های کیفی توجه شود. اگرچه در تحلیل‌های کیفی باید عینیت بر ذهنیت غلبه داشته باشد، بیشتر روش‌های موجود در حوزه تحلیل گفتمان نوعاً دچار ذهنیت‌گرایی هستند. درحالی‌که باید با عینیت‌گرایی شیوه‌ای از کشف معنا و مصادیق معنایی را بازتاب دهند، روش پدام (روش عملیاتی تحلیل گفتمان)، یکی از شیوه‌های خروج از ذهنیت‌گرایی به عینیت‌گرایی است که توسط بشیر در ایران ارائه شده است. این روش شباهت‌هایی با روش فرکلاف دارد. همان‌گونه که فرکلاف به سه سطح «تولید»، «تفسیر» و «تبیین» می‌پردازد، روش پدام در تلاش است این مراحل را در پنج سطح تحلیل کند که عبارت است از: «سطح به سطح»، «سطح - عمق»، «عمق - سطح»، «عمیق» و «عمیق‌تر» که سه سطح اول به‌نوعی توصیف است.

این تحلیل در پنج مرحله صورت می‌گیرد: مرحله اول «برداشت از اصل متن» که یافتن به‌صورت مستقیم یا برداشت در متون است. برداشت از متن نباید معنای موجود

متن را تغییر دهد. باید نوعی خلاصه کردن باشد. از این رو، در این مرحله تحلیل گر نباید دچار سوگیری شود، چراکه کل تحقیق او خدشه‌دار می‌شود.

در مرحله دوم، مطلب با توجه به جهت‌گیری گرایش‌های متن تحلیل می‌شود. مطالب این مرحله با عنوان «جهت‌گیری و گرایش متن»، در ستون دوم و بر مبنای روش پدام درج می‌شود. در این مرحله، تحلیل گر به دنبال جهت‌گیری کلی متن و نقاط تمرکز با گرایش‌های خاص متن است.

در مرحله سوم، با عنوان «تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن»، تحلیل گر رابطه جهت‌گیری و گرایش‌های موجود در متن خاص گزینش شده با سایر گرایش‌های داخل متن کلی را شناسایی می‌کند، این مرحله به دنبال کشف نوعی از گرایش کلیت گرایشی در متن است که می‌تواند زمینه‌ساز معناهای عمیق و عمیق‌تر مراحل بعدی باشد. مفهوم توجیه در این مرحله ایجاد شرایط منطقی توجیه‌کننده معناها و روابط کشف شده در حوزه گرایش‌های به‌دست‌آمده از متن در حوزه‌های وسیع‌تر است، در این مرحله، نتایج به‌دست‌آمده از مرحله سوم تحلیل، یعنی تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن با گفتمان‌های مختلف مرتبط مقایسه می‌شود. در این مرحله نوعی از بینامتنی میان ذهن تحلیل‌گر و بین حقیقت‌های مرتبط و گفتمان‌های بینامتنی مورد توجه قرار می‌گیرد و محقق درصدد است میان بین این سه بینامتنیت و نتایج به‌دست‌آمده از مراحل قبلی نوعی از رابطه مهم منطقی و قابل فهم ایجاد کند.

مرحله عمیق‌تر، مرحله متن در زمینه‌های آن است. در این مرحله، تحلیل گر تلاش می‌کند میان متن، زمینه، ذهنیت و عینیت‌های مرتبط با متن رابطه منطقی ایجاد کند. در واقع، مرحله نتیجه‌گیری از فرایند تحلیل انجام‌گرفته در مراحل قبل است. بنابراین، نوعی از جمع‌بندی، مقوله‌سازی کلان، نتایج نهایی و استنباط کلی را نشان می‌دهد.

به صورت خلاصه تحلیل گفتمان پدام طبق جدول زیر انجام می‌شود:

تبیین فراگفتمان‌های بین متنی	تفسیر تحلیل بینامتنی	توصیف		
		معانی هژمونیک + متن هدف‌دار، همسو و دارای تحلیل		
عمیق‌تر	سطح عمیق / عمیق	سطح عمق (تحلیل) توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن)	عمق سطح (جهت‌گیری و گرایش متن)	سطح (اصل متن)
فضای فراگفتمانی	فضای گفتمانی	ارتباطی رابطه ساختار و معنا	معنایی معنای رویین و زیرین	ساختاری
توجه هم‌زمان به سطح در زمانی و هم‌زمانی	قدرت و حاکمیت تعامل / تعارض و...	روح گفتمانی	جهت‌گیری گفتمانی	زبان گفتمانی

جامعه آماری این پژوهش شامل تمام اظهاراتی است که توسط رئیس‌جمهور دوره یازدهم و دوازدهم در موضوع بورس ایراد شده است، که تعداد ۶۵ مورد را در برمی‌گیرد. در واقع این پژوهش به شیوه تمام شماری و با لحاظ تمام اخبار مربوطه انجام شده است. بازه زمانی داده‌های گردآوری شده مربوط به ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ است. واحد تحلیل در این پژوهش، جمله است که از متن خبری و متناسب با سؤال و هدف پژوهش انتخاب شده است. لازم به ذکر است که اخبار از پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری گردآوری شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

پیرو روش تحلیل انتخاب شده، این پژوهش تمام مراحل پنج‌گانه تحلیل گفتمان پدام را انجام داده است، که در ادامه می‌آید.

ردیف	سطح	سطح عمق	عمق سطح
۱	می‌شود سرمایه‌های خرد و کوچک مردم را کنار هم قرار داد و با مشارکت مردم یک طرح عظیم و بزرگ را به ثمر رساند و بعد هم آن را در فرابورس و بورس عرضه کرد.	نقش بورس و فرابورس در رونق اقتصادی	با استفاده از ظرفیت‌های بورس در جمع‌آوری سرمایه‌های خرد می‌توان به رونق اقتصادی رسید.
۲	بازار سرمایه معمولاً ریسک دارد و روند آن نوسانی است، اما در مجموع در این ماه‌های اخیر بازهم بورس یک مقدار نشاط پیدا کرده است.	ریسک، ذاتی بازار سرمایه	کسی که وارد بورس می‌شود باید ریسک آن را بپذیرد.
۳	نگاه به بورس باید بلندمدت باشد.	دیر بازده بودن بورس	داشتن صبر و تحمل برای حصول نتیجه از لوازم کار در بازار سرمایه است.
۴	مردم نباید با همه سرمایه خود وارد بورس شوند.	لزوم مدیریت سرمایه در بازار سرمایه	داشتن برنامه برای ورود به بورس از ضروریات ورود به این بازار است.
۵	از ابتدای دولت یازدهم تصمیم دولت بر این بود تا کاری کنیم که شرکت‌های اقتصادی بزرگ دولتی را وارد بورس کنیم و مدیریت بنگاه‌ها در اختیار دولت نباشد.	بورس به‌عنوان راه خصوصی‌سازی	بورس با کمک به خصوصی شدن اقتصاد، بار دولت را کم می‌کند.
۶	همچنان که افق مثبت در فضای تولید و تجارت کشور و رفع تحریم‌ها و محدودیت‌های خارجی و داخلی، محاسبات سرمایه‌گذاران در بازار بورس را تحت تأثیر قرار	بورس هم بر ساحات دیگر اقتصادی تأثیرگذار است و هم از آن‌ها تأثیرپذیر.	بورس، نشانگر توفیق یا عدم توفیق اقتصاد یک کشور است.

ردیف	سطح	سطح عمق	عمق سطح
	می‌دهد و آن‌ها را به تقاضای بیشتر در بازار و سرمایه‌گذاری در واحدهای تولیدی کشور تشویق می‌کند، ایجاد نگرانی نسبت به دسترسی به بازارها و توان صادراتی بنگاه‌های اقتصادی نیز اثر منفی بر بازار تحمیل می‌کند		
۷	سیستم بانکی در این شرایط می‌تواند به کمک بازار بورس بیاید و با ایجاد امکان لازم برای اعطای تسهیلات به سرمایه‌گذاران بورسی، رونق را به بازار بازگرداند	نقش مهم بانک‌ها در بازار سرمایه	بانک‌ها می‌توانند با کمک به شرکت‌های بورسی (وام، تسهیلات و...) در جهت تقویت این بازار عمل کنند.
۸	رقابت بهترین راه دستیابی به عدالت و مبارزه با فساد در کشور است و زمانی که عرضه و تقاضا یکدیگر را در بازار ملاقات کنند قیمت‌ها عادلانه می‌شود	بورس یاری‌کننده ایجاد عدالت در جامعه	بازار بورس به دلیل توانایی‌اش در ایجاد فرصتی برای تلاقی عرضه و تقاضا به گسترش عدالت کمک می‌کند.
۹	به دنبال این بودیم که با تقویت بورس کشور امضاءهای طلایی و رانت‌های خاص حل شود.	بورس از بین برنده رانت	بازار بورس به دلیل شفافیت، رانت‌های خاص را از بین می‌برد.
۱۰	تصمیم‌گیری در زمینه بورس برعهده شورای عالی بورس است و نباید برخی از اعضای کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی در این زمینه دخالتی داشته باشند	مسئولیت تصمیم‌گیری درباره بورس برعهده شورای عالی بورس است.	تجلی تقابل دولت با مجلس در مشکلات ایجادشده برای بورس

ردیف	سطح	سطح عمق	عمق سطح
۱۱	امیدواریم با تغییر شرایط جهانی، بازار بورس نیز یک‌روند طبیعی و آرام طی کند.	تأثیر شرایط جهانی بر بورس	شانه خالی کردن از مسئولیت دولت در قبال بورس و محول کردن به بهتر شدن بازار جهانی
۱۲	دولت دخالت مستقیم ندارد. دولت تنها از سرمایه مردم صیانت و مراقبت کرده و به اجرایی شدن سیاست‌های شورای عالی بورس کمک می‌کند.	عدم مسئولیت و دخالت مستقیم دولت نسبت به بازار سرمایه	رفع مسئولیت از شانه دولت نسبت به بازار سرمایه
۱۳	مردم بدانند سکه و دلار جای سرمایه‌گذاری نیست، اما بورس جای سرمایه‌گذاری است خرید نفت جای سرمایه‌گذاری است.	تشویق مردم به سرمایه‌گذاری در بورس	بورس به دلیل بازدهی بیشتر در بلندمدت جای بهتر و مناسب‌تری برای سرمایه‌گذاری است.
۱۴	دولت مصمم است به‌رغم تمامی فشارها برنامه منظمی برای تأمین نیازهای ارزی کالاهای اساسی و مواد اولیه و واسطه‌ای واحدهای تولیدی اجرا و در بازار ارز تعادل لازم را ایجاد کند.	دخالت مستقیم دولت در بورس	دولت در مواقع نیاز می‌تواند با وجود مخالفت‌ها در بازار سرمایه دخالت کند.
۱۵	بورس باید با استحکام راه خودش را ادامه دهد. مردمی که وارد بورس شدند، اعتمادشان به سازمان بورس و شورای عالی بورس و وزارت اقتصاد و دولت است و همه ما مسئولیم که از اموال مردم به‌خوبی حراست کنیم.	لزوم حراست از اموال مردم در بورس برعهده دولت	اعتماد مردم به دولت باعث ورود گسترده آن‌ها به بورس شد لذا دولت مسئول حفظ اموال و اعتماد مردم است.

ردیف	سطح	سطح عمق	عمق سطح
۱۶	رشد شاخص‌های بورس باید طبق پایه‌های علمی دقیق و بر اساس منطق بازار سرمایه پیش برود مدیریت بازار بورس باید با اعمال مقررات احتیاطی لازم و مراقبت دقیق به جامعه و مردم این اطمینان را بدهد که سرمایه‌گذاری آن‌ها در بورس استحکام لازم را دارد، لذا بهتر است در این زمینه با جدیت بیشتر عمل کنند	عدم دخالت غیرعلمی در بورس و نقش مراقبتی مسئولین بورس نسبت به این بازار	دخالت مخل عرضه و تقاضاست و دخالت در آن یعنی برهم زدن نظم بازار.
۱۷	امروز مردم صاحب‌اختیار سهامی شده‌اند که تا قبل از آن باوجود اختصاص سهام، مالکیت روشنی نبود و اختیاری برای مدیریت این سهام نداشتند.	بورس عامل شفاف‌کننده مالکیت	خصوصی‌سازی از فساد می‌کاهد و بر شفافیت می‌افزاید.
۱۸	با روش‌های مناسب باید مانع آن شویم عده‌ای که در کمین سهام مردم و تصرف صندلی‌های مدیریتی هستند بتوانند این سهام را باارزش کمتر خریداری کنند	لزوم جلوگیری از سودجویی سودجویان از بازار سرمایه	دخالت دولت در بورس لازمه حفظ عدالت در بازار و جلوگیری از ظلم در بورس است.
۱۹	توصیه دولت این است که دارندگان (سهام عدالت)، سهام خود را نفروشند و از منافع بلندمدت آن بهره‌مند شوند	نگهداری سهام عدالت به نفع سهامداران است	ورود مستقیم دولت در بورس و سیگنال دهی به مردم

ردیف	سطح	سطح عمق	عمق سطح
۲۰	یک بخش از تأمین بودجه و نیازمندی‌های دولت از طریق فروش سهام است.	تأمین بخشی از بودجه از بورس	بورس به‌عنوان منبعی برای جبران کسری بودجه
۲۱	باید تلاش کنیم بازار بورس و سرمایه به یک تعادل اطمینان‌بخش برسد تا مردم با خیالی آسوده برای سرمایه‌گذاری در این عرصه اطمینان کامل داشته باشند.	ایجاد تعادل در بازار سرمایه برای جذب سهامداران	تلاش دولت برای جذب حداکثری مردم به بورس
۲۲	باعرضه‌هایی که در بورس انجام می‌شود، تحول بزرگی در بورس ایجاد خواهد شد و بازار سرمایه رونق پیدا می‌کند.	نقش عرضه‌های اولیه در پیشرفت بورس	تشویق مردم برای ورود به بازار سرمایه
۲۳	اگر ما می‌خواهیم جهش تولید داشته باشیم دولت باید چابک شود. دولت باید تصدی‌گری‌هایی را که نیاز ندارد کنار بگذارد.	خصوصی‌سازی اقتصاد عامل چابکی دولت	نقش بورس در افزایش چابکی دولت نقش مهمی است.
۲۴	نقدینگی در جامعه ما زیاد است و یکی از راه‌های صحیح و درست و سالم برای جمع‌آوری نقدینگی و درنهایت کاهش تورم و مهار تورم حضور مردم در صحنه بورس است.	نقش بورس در کاهش نقدینگی و تورم	تشویق مردم به مشارکت در بازار سرمایه باهدف کاهش تورم
۲۵	بورس انصافاً در این ایام، یعنی در ماه‌های اخیر، کلاً درخشید و در این ایامی که خیلی از کشورها بورس‌هایشان دچار مشکل بود، بورس ما الحمدالله دچار مشکل نبود.	درخشش بورس در اوج رکود	اوج‌گیری بورس در دوران رکود اقتصادی کورونایی یکی از دستاوردهای مهم دولت است.

ردیف	سطح	سطح عمق	عمق سطح
۲۶	دیدم برخی از این افرادی که معمولاً معاند ما هستند و حرف‌های خیلی عجیب و غریب می‌نویسند، نوشتند اقتصاد ایران خراب است و جای تعجب است که بورس آن خوب است که این یکی را ناچار شدند اعتراف کنند که وضعیت خوب است و حتی گفتند که بورس ایران فوق‌العاده است.	اعتراف مخالفین دولت به رونق فوق‌العاده بورس	وجود تناقضی غیرقابل چشم‌پوشی بین وضعیت بد اقتصادی کشور و رونق حساب گونه بازار سرمایه
۲۷	رونق بورس و صادرات نشانه هدایت درست نقدینگی است.	بورس نشان‌دهنده هدایت درست یا نادرست نقدینگی	بورس، شاخص جهت‌گیری درست اقتصادی است.
۲۸	کاهش تلاطم در روابط خارجی و ایجاد ثبات در اقتصاد داخلی وضعیتی را به وجود آورد که همان نقدینگی که قبلاً صرف خرید ارز و طلا می‌شد و بانک مرکزی را به پایگاهی برای تولید و عرضه سکه تبدیل کرده بود، این بار به سمت بازار بورس و سپس بانک‌ها گردش کند و این سرآغاز گشایش در اقتصاد کشور بود.	بهبود روابط بین‌المللی باعث رونق بازار بورس شده است	عامل اصلی و مهم در پیشرفت و رونق بورس است این است که در روابط خارجی خود به دنبال تنش‌زدایی باشیم.

سطح چهارم تحلیل (مرحله عمیق) ناظر به نوعی تفسیر از سطح سوم تحلیل و تعیین رویکردهای مشابه و متفاوت در این ستون (یعنی تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن) است. در این مرحله با توجه به نتایج حاصله از سطوح پیشین تحلیل،

تفسیر کلی مربوط به آن‌ها تحت عناوین یا واژه‌های کلان‌تر که نوعی از رویکرد کلان را ترسیم می‌کند، انجام می‌گیرد. به عبارتی دال‌های مذکور در این بخش از مقایسه مواردی که از جدول قبلی آمده است، استخراج شده است.

تحلیل سطح چهارم تحلیل گفتمان	ردیف خانه‌های مربوط به تحلیل سه مرحله اول
بورس و رونق اقتصادی	۱-۵-۶-۲۳-۲۴-۲۵-۲۷-۲۸
بورس و پذیرش ریسک ورود به آن	۲-۳-۴-
بورس و گسترش عدالت	۸-۹-۱۷-۱۸
بورس و ضرورت عدم دخالت در آن	۱۰-۱۶
بورس و مسئولیت‌پذیری دولت در قبال آن	۱۱-۱۲
بورس و دخالت دولت	۷-۱۴-۱۵-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۴
بورس و رشد غیرمنطقی	۲۶-۲۵
بورس و عوامل تأثیرگذار بر آن	۷-۱۸-۲۸
بورس و تشویق مردم به حضور در آن	۱۳-۱۹-۲۱-۲۲-۲۴

در این سطح همان‌طور که در بخش روش بیان شد، با استفاده از تحلیل سطح چهارم که مقایسه سلول‌های جدول (بالأخص در سطح سوم تحلیل) بود، فضای کلی گفتمانی اظهارات رئیس‌جمهور مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. تبیین گفتمان‌های حاکم بر فیلم مورد تحلیل، در این مرحله صورت می‌گیرد. در این مرحله متن، بینامتنی و فرامتن، هم‌زمان مورد توجه قرار می‌گیرد و تحلیل نهایی ارائه می‌شود.

۶. گفتمان بورس و دولت

اظهاراتی از رئیس‌جمهور که بیانگر رابطه بین بورس و دولت بوده در ذیل این گفتمان قرار گرفته است. قسمتی از این اظهارات در ذیل دال مرکزی «بورس و عدم دخالت در آن» قرار می‌گیرد که بیانگر این است که هیچ نهاد و شخصی نباید در بورس دخالت کند و تنها مرجع تصمیم‌گیری درباره بورس شورای عالی بورس است. «بورس و مسئولیت‌پذیری دولت در قبال آن» دال دیگری است که در ذیل این گفتمان جای

می‌گیرد و ناظر به مواردی است که دولت از پذیرفتن مسئولیت بازار سرمایه دوری می‌کند و افت‌وخیز آن را به بازارهای جهانی و سیاست‌های شورای عالی بورس محول می‌کند. دال مرکزی دیگر ذیل این گفتمان، «بورس و دخالت دولت» است که شامل مواردی است که رئیس‌جمهور یا به‌صراحت یا به‌صورت ضمنی به دخالت دولت در بازار سرمایه و بعضاً ضرورت این امر برای دولت، تأکید می‌کند.

۷. گفتمان بورس و اقتصاد

سخنانی از رئیس‌جمهور که بیانگر رابطه بین بورس و رونق یا رکود اقتصادی است ذیل این گفتمان قرار گرفته است.

«بورس و رونق اقتصادی» اولین دال مرکزی این گفتمان است که بیان می‌کند که بورس به دلیل کمک به کاهش حجم دولت و همچنین کاهش نقدینگی به رونق اقتصاد کمک کرده است. از طرف دیگر رونق بورس نشان‌دهنده زنده‌بودن اقتصاد کشور و رو به رشد بودن آن است.

دومین دال مرکزی این گفتمان، «بورس و رشد غیرمنطقی آن» است که اشاره به این امر دارد که باوجود بد بودن مؤلفه‌های دیگر اقتصادی کشور مثل تورم، کسری بودجه و... و همچنین قرار داشتن در اوضاع کرونایی که باعث افت اقتصادی بسیاری از کشورها شد، رشد بورس ایران باعث تعجب کارشناسان شده است. دال مرکزی دیگر این گفتمان، «بورس و عوامل تأثیرگذار بر آن» است. سه عنصر دولت (با کمک بانک مرکزی)، عوامل خارجی و سودجویان داخلی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر بورس و افت‌وخیزهای آن هستند.

«بورس و گسترش عدالت» نیز بیانگر این است که بازار سرمایه با حاکم کردن منطق عرضه و تقاضا، از بین رانت‌های خاص و امضاهاى طلايى و ایجاد شفافیت به گسترش عدالت کمک شایانی کرده است.

۸. گفتمان بورس و مردم

اظهاراتی از رئیس‌جمهور که ناظر به مردم و رابطه آن‌ها با بازار سرمایه بوده در ذیل این گفتمان جای می‌گیرد.

«بورس و تشویق مردم به حضور در آن» بیان‌کننده این موضوع است که رئیس‌جمهور هم به صورت مستقیم و بسیار واضح و هم به صورت کنایی و غیرمستقیم مردم را به حضور در این بازار تشویق کرده است.

مورد بعدی «بورس و پذیرش ریسک ورود به آن» است که دربرگیرنده مواردی است که دولت و خاصه رئیس‌جمهور بعد از افول شاخص کل بورس از ذاتی بودن ریسک برای بازار سرمایه سخن می‌گوید.

گفتمان‌های موجود (مرحله پنجم)	دال‌های مرکزی (مرحله چهارم)
گفتمان بورس و دولت	بورس و ضرورت عدم دخالت در آن بورس و مسئولیت نپذیری دولت در قبال آن بورس و دخالت دولت
گفتمان بورس و اقتصاد	بورس و رونق اقتصادی بورس و رشد غیرمنطقی بورس و عوامل تأثیرگذار بر آن بورس و گسترش عدالت
گفتمان بورس و مردم	بورس و پذیرش ریسک ورود به آن بورس و تشویق مردم به حضور در آن

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هفتمین رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران در طول ۸ سال ریاست جمهوری خود سخنان و اظهارات زیاد و متفاوتی ناظر به بورس داشته که در ذیل سه گفتمان اصلی «بورس و دولت»، «بورس و اقتصاد» و «بورس و مردم» قرار می‌گیرد.

نکته شایان توجه در این تحلیل این است که میان دال‌های مرکزی هر یک از سه گفتمان دولت، شاهد وجود نوعی از تعارض و تناقض هستیم. در گفتمان «بورس و دولت»، هم عدم دخالت دولت را با سخنانی نظیر «رشد شاخص‌های بورس باید طبق پایه‌های علمی دقیق و بر اساس منطق بازار سرمایه پیش برود.» به‌عنوان سیاستی اعلامی می‌بینیم و هم دخالت در عرصه عملی را با جمله صریح «یک بخش از تأمین بودجه و نیازمندی‌های دولت از طریق فروش سهام است».

در گفتمان دوم نیز، هم رونق اقتصادی از سویی و هم رشد غیرمنطقی از سویی دیگر صحبت شده است. جایی گفته شده که رشد بورس نشان‌دهنده وضعیت خوب اقتصادی در کشور است و بعد از مدتی (از اواسط سال ۱۳۹۹) که شاخص بورس کاهش یافته است با این استدلال که بازار سرمایه معمولاً ریسک دارد، بار مسئولیت را از روی دوش دولت برمی‌دارند.

در گفتمان سوم نیز یک تناقض بزرگ و آشکار به چشم می‌خورد. تشویق مردم به حضور با تمام سرمایه خود در بازار سرمایه با جمله «مردم باید همه‌چیز خود را به بورس بسپارند» و از طرفی ضرورت پذیرش ریسک ورود به این بازار برای سهامداران و ضرورت مدیریت سرمایه توسط آن‌ها با این بیان: «مردم نباید با همه سرمایه خود وارد بورس شوند». این تغییر دیدگاه شدید و عجیب وقتی عجب‌تر می‌شود که مشخص شود از یک‌زمان خاص به بعد یعنی از زمان شروع سقوط شاخص کل بورس (مشخصاً از ۱۳۹۹/۰۵/۲۰ به بعد) است که محور صحبت‌های رئیس‌جمهور از تشویق مردم به ورود به بازار سرمایه به لزوم داشتن مدیریت در ورود به بازار سرمایه و پذیرش ریسک آن تغییر می‌کند. به چند مورد از صحبت‌های ایشان همراه با تاریخ ذکر شده توجه کنید:

۱. مردم می‌توانند در بازار بورس بیایند خریدهایی کنند که برای آینده و دارایی‌شان اطمینان بیشتر پیدا کنند. مردم بدانند سکه و دلار جای سرمایه‌گذاری نیست، اما

بورس جای سرمایه‌گذاری است. می‌خواهیم مردم را از یک طریق مطمئن نه طریقی که امروز برای آن فایده داشته باشد و فردا ضرر کند، می‌خواهیم راهی که مردم اطمینان داشته باشند (۱۳۹۹/۰۵/۲۲).

۲. مردم باید همه‌چیز را به بورس بسپارند (۱۳۹۹/۰۵/۱۶).

۳. بورس در همه کشورهای دنیا بر اساس مسائل سیاسی و مسائل اقتصادی نوساناتی دارد، پایین و بالا می‌رود و لذا به دلیل فشارهایی که بود در یک مقطعی کاهش پیدا کرد (۱۳۹۹/۱۲/۰۴).

۴. بازار سرمایه معمولاً ریسک دارد و روند آن نوسانی است (۱۴۰۰/۰۴/۱۷).

۵. مردم نباید با همه سرمایه خود وارد بورس شوند (۱۴۰۰/۰۴/۱۷).

مشاهده می‌کنید که تا قبل از شروع سقوط شاخص کل از اواخر مرداد ۱۳۹۹، مردم برای ورود به بورس تشویق می‌شدند ولی بعد از آن وقتی شاخص منفی شد و در عرض کمتر از ۱۰ ماه ۵۰ درصد سقوط کرد و همه سهم‌ها حتی ETFهای دولتی مثل صندوق پالایش یکم به شدت وارد ضرر شدند، مردم به لزوم مدیریت سرمایه در ورود به بورس و پذیرش نوسانات آن دعوت می‌شوند.

بنابر اصول نظریه برجسته‌سازی، نیاز به راهنمایی داشتن مردم مبتنی بر دو عامل است: ارتباط اطلاعات به کار و زندگی فرد و عدم اطلاع وی از موضوع یا رویداد. از طرفی در نظریه برجسته‌سازی مطرح می‌شود که نقش اشخاص معروف و معتبر به هنگام اظهار نظر درباره موضوع، مهم و تأثیرگذار است. از آنجایی که مردم به دعوت و تشویق رئیس دولت بخشی از سرمایه و گاهاً تمام سرمایه زندگی خود را وارد بورس کردند، اطلاعات ناظر به این بازار برای آن‌ها بسیار حائز اهمیت خواهد بود به عبارتی افت و خیز این بازار مساوی خواهد بود با افت و خیز زندگی آن‌ها. از طرف دیگر عموم مردمی که وارد این بازار شدند سواد و اطلاع کافی سرمایه‌گذاری در آن را نداشتند و صرفاً با اتکا و اعتماد به صحبت‌های مسئولان، سرمایه خود را وارد این بازار کردند.

بنابراین درهم آمیختگی و تناقض گفتمانی قاعداً هرج و مرجی که در بازار سرمایه مشاهده کردیم، کاملاً طبیعی به نظر می رسیده است. منطق دال های مرکزی تحلیل گفتمان بورس در دولت این تناقض گفتمانی را نشان می دهد.

دولت ظاهراً معتقد است که با تشویق مردم برای ورود به این بازار آنها را وارد کسب و کار جدیدی کرده و به کم شدن مشکل بیکاری کمک شایانی کرده است. رئیس جمهور در تاریخ ۱۴۰۰/۰۴/۱۷ در آیین افتتاح طرح های ملی و صنعتی گفت: «سرمایه گذاری در بورس حتی از سود بانکی و سکه و دلار هم بیشتر است. در میان مدت طبیعی است که فراز و نشیب داشته باشد و از طریق همین بورس توانستیم میلیون ها نفر مردم را وارد کسب و کار جدیدی کنیم.»

اما بنابر اظهارات خود رئیس دولت، اهداف دیگری هم از تشویق مردم به ورود به بورس دنبال می شده است. رئیس جمهور در ۱۳۹۹/۰۳/۰۷ در جلسه هیأت دولت گفت: «یک بخش از تأمین بودجه و نیازمندی های دولت از طریق فروش سهام است.» این یعنی یکی از اهداف دولت، تأمین کسری بودجه خود و دیگر نیازمندی های خود بوده، کما اینکه این امر در سخنان دیگر مسئولان نیز بروز و ظهور واضحی داشته است.

از طرفی مجلس وقت بارها با اقدامات دولت ناظر به بازار بورس مخالفت کرده بود و در این راستا اقداماتی را نیز انجام داده بود. برای مثال دعوت از وزیر اقتصاد برای پاسخ به سؤال های نمایندگان درباره بورس در اردیبهشت ۱۴۰۰، انتقادهای توثیتری برخی نمایندگان، اعلام اسامی متخلفان بورس به قوه قضائیه و...

مردم هم که متضرران اصلی سقوط ناگهانی بازار سرمایه بودند دست به اقداماتی از قبیل تجمع و تظاهرات روبروی سازمان بورس و اوراق بهادار، تنظیم شکایت نامه بیش از ۵۰۰ هزار نفر از رئیس جمهور به کمیسیون اصل نود، زدند.

از طرفی نیز رسانه های خارجی هم از این بی تدبیری استفاده کرده و بر طبل ناکارآمدی جمهوری اسلامی بیش از پیش می کوبند. رادیو فردا در گزارش خود در تاریخ

۱۴۰۰/۰۴/۱۴ می‌نویسد: «دولت حسن روحانی با اجرای انفجاری طرح توجه و رهاسازی بی‌سرانجام بازار سرمایه ضربات شدیدی را به سرمایه اجتماعی دولت خود و حاکمیت و از همه مهم‌تر به مردم وارد کرد و شاهد تجمعات کم‌شمار اما مؤثر بودیم. کمپین‌های متعددی برای اعتراض در فضای مجازی سازمان یافت و وضعیت در روزهای پایان دولت حسن روحانی بدان‌جا رسیده است که متضررین از این بازار بر صف پرشمار مال‌باختگان در جمهوری اسلامی اضافه شده‌اند.»

یکی از شبهاتی که در بین عامه مردم وجود داشت و توسط برخی از مسئولین نیز به‌صورت ضمنی تأیید شد شائبه دخالت و دست‌کاری عامدانه دولت در بورس است. برای مثال پورا ابراهیمی (رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس) در گفتگو با برنامه دست‌خط در ۱۳۹۹/۰۶/۱۵ تصریح می‌کند: «الان نگرانی جدی ما از دست‌کاری بازار است. شرکت‌هایی که قیمت سهام آن‌ها واقعی نبوده به شرایطی رسیده‌اند و با رویکردی دنبال شده‌اند که این قیمت‌ها، قیمت‌سازی شده و این نگرانی جدی ما است. مصادیق دست‌کاری در بازار در گذشته اطلاعات غلط بود یا صورت‌های مالی غیرشفاف بود، امروز فضای مجازی است که شما متوجه می‌شوید یک‌باره اتفاقاتی می‌افتد و قیمت سهام یک‌باره چند برابر می‌شود بدون اینکه با قیمت واقعی ارتباطی داشته باشد.»

وجود تناقضات درون‌گفتمانی مذکور و شائبه‌ها و بدبینی‌ها نسبت به عملکرد دولت در بازار سرمایه باعث ایجاد هزینه‌های بسیاری برای کشور شد که از دیدگاه نگارنده اصلی‌ترین آن از بین رفتن حس اعتماد عمومی به دولت و حاکمیت بود. در اینجا ضرورت داشتن یک نگاه جامعه‌شناسانه قبل از انجام کاری یا اعمال یا اعلام سیاستی از سوی حکمرانان کشور به‌وضوح حس می‌شود. شاید باوجود این نگاه عمیق این امکان وجود داشت که از هزینه‌های زیادی که اتفاقات گذشته بر بورس برای مردم ایجاد کرد، تا حد زیادی کاست. امید است که در آینده یک پیوست تحلیل‌گفتمانی بر

همه سیاست‌های کشور ضمیمه شود تا شاهد این‌چنین دوره‌های تلخ در تاریخ کشورمان نباشیم.

یادداشت‌ها

1. PDAM

کتابنامه

- سازمان بورس اوراق بهادار (۱۳۹۷). *راهنمای آشنایی با بورس اوراق بهادار*. تهران: سازمان بورس اوراق بهادار.
- صاحب‌دادی، سینا (۱۴۰۰). *دلایل و سوابق سقوط‌های تاریخی بورس ایران*. بازیابی شده در <https://b2n.ir/n18847> از ۱۴۰۱/۰۲/۰۲
- پایگاه خبری تحلیلی مثلث (۱۳۹۹). *ماجرای همه دخالت‌های رئیس‌جمهور در بورس*. بازیابی شده در ۱۴۰۰/۰۲/۰۲ از <https://www.mosalasonline.com/fa/tiny/news-79252>
- سولیوان، تام؛ هارتلی، جان؛ ساندرز، دانی؛ و فیسک، جان (۱۳۸۵). *مفاهیم کلیدی ارتباطات* (میرحسن رئیس‌زاده، مترجم). تهران: فصل نو.
- شاو، دونالد؛ و مک کومبز، مکسول (۱۳۸۳). *کارکرد برجسته‌سازی در مطبوعات در «اندیشه‌های بنیادین علم ارتباطات» (امید مسعودی، مترجم)*. تهران: خجسته.
- سورین، ورنر؛ و تانکارد، جیمز (۱۳۸۱). *نظریه‌های ارتباطات* (علیرضا دهقان، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- آشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۹). *تحلیل شبکه‌ای و تحلیل گفتمان*. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۷۹). *مقدمه تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل گفتمان انتقادی* (پیروز ایزدی، شعبانعلی بهرام‌پور، محمدجواد غلامرضا کاشی، رامین کریمیان، محمود نیستانی، رضا ذوقدارمقدم، فاطمه شایسته‌پیران، ترجمه). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- بشیر، حسن (۱۳۸۹). *تحلیل شبکه‌ای و تحلیل گفتمان*. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

- Mahmoud Nistani, Reza Zokhdar Moghadam, Fatemeh Shaistapiran, Translation). Tehran: Media Studies and Research Center. (In Persian).
- Mahdizadeh, S, M., (2009). Media Theories, Popular Ideas and Critical Perspectives. Tehran: Hamshahri. (In Persian).
- Severin, W; & Tankard, J., (2008). Communication Theories (Ali Reza Dehghan, Translator). Tehran: Amir Kabir. (In Persian).
- Qajri, Hossein A, & Nazari, J., (2012). The Use of Discourse Logic in Social Science Research. Tehran: Sociologists. (In Persian).

